تفاوت دیدگاه در حدائق، مصابیح و جواهر نسبت به مخالفت و عدم مخالفت قول مشهور با عامه

(11:05)

عرض کنم؛ نسبت به اینکه فرمودند «مخالفتها للمشهور بين العامّة فتوى و رواية»، تا جایی که من برخورد کردم، سه کتاب داریم که در کمتر از صد سال نوشته شده‌اند و از موارد یادداشت کردنی است. کتاب اول، دوم و سوم. نوعاً کتابهای بعدی از دقت بیشتری برخوردار هستند، اما در اینجا درست برعکس شده است. سه کتاب کمتر از صد سال داریم که کتاب اول از دقت بیشتری برخوردار است. دوم بیان بین است. سوّم که خیلی... . اولین این کتابها حدائق است. دومین آنها همین مصابیح سید بحر العلوم است. سومی هم جواهر است. اینها به ترتیب نوشته شده؛ صاحب حدائق اول نوشته اند، مصابیح سید بین اینها است و جواهر هم بعدش است.

اینکه عامه چه می‌گویند سید محکم فرموده‌اند: «مخالفتها للمشهور بين العامّة فتوى و رواية»؛ مشهور بین عامه فتویً و روایتاً این است که رؤیت قبل از زوال مجزی نیست. امروز روز سی ام است. سید این را به عامه نسبت می‌دهند.

شاگرد: این مرتبی که فرمودید منظورتان در خصوص مسأله است؟

استاد: بله. یک مصداق است. عرض کردم نوعاً این است که کتابهای متأخر اقّا است. چون کار دیگری را دیده، اگر یک جایی مسامحه‌ای شده آن را اصلاح می‌کنند. اما در اینجا خیال می کنیم که برعکس شده.

حدائق جلد سیزدهم، صفحه دویست و نود؛ وقتی مرحوم صاحب حدائق مسأله زوال را مطرح می‌کنند، آخر کار خلاصه گیری می‌کنند. یک خلاصه‌ای است که خیال می کنیم خوب است.

> **و بالجملة فالمسألة لما ذكرناه محل تردد و اشكال، و لا يبعد عندي خروج أخبار أحد الطرفين مخرج التقية، إلا ان العامة هنا على قولين أيضا و القول المشهور بينهم هو المشهور بين أصحابنا، نقله في المنتهى عن الشافعي و مالك و ابى حنيفة، و عن أحمد فيه روايتان، و نقل القول الآخر عن الثوري و ابى يوسف[1]**

«و بالجملة فالمسالة»؛ یعنی مسأله رؤیت قبل از زوال، **«لماذکرناه»؛** یعنی روایت را بررسی کردیم ادله همه را بررسی کردیم، **«محل تردد و اشکال»؛** نوعاً اینطور هست؛ [محل تردد و توقف] از محقق اول و علامه و دیگران هست. **«و لایبعد عندی خروج اخبار احد الطرفین مخرج التقیه»؛** میگویند این بحث مشکل شد. حالا چطور آن را حل کنیم؟ در طرفینش روایت داریم. میگویند خلاصه یکی از آنها تقیه است. نمیگویند کدام است. **«الا ان العامه هنا علی القولین ایضا»**؛ آنها هم دو قول دارند. **«و القول المشهور بینهم هو المشهور بین اصحابنا. نقله فی المنتهی عن الشافعی و المالک و ابی حنیفه و عن احمد فیه روایتان و نقل القول الآخر عن الثوری و ابی یوسف».**

ببینید الآن صاحب حدائق چه کار کردهاند؟ درست است که مشهور آن بود، اما باز کار را تمام نکردهاند؛ یعنی بگویند وقتی ما دو روایت متعارض داریم، مخالفت با عامه فقط در روایت قبل از زوال است؛ مثل سید. گفته اند یکی از آنها است.

سید که بعد از ایشان کتاب نوشته اند، میگویند چون مشهور آن است، پس تمام شد. روایت یقطینی که گفته بود سی ام داریم، موافق عامه میشود. روایت ما که میگوید قبل از زوال مجزی است، مخالف عامه میشود. بعد سید برای این مشهور و غیر مشهور توضیحاتی میدهند. توضیحات خیلی خوبی است. من هم عبارت را خواندهام. فقط قبلش عبارت جواهر را بخوانم تا به عبارت سید برگردیم.

در جواهر جلد شانزدهم، صفحه سیصد و هفتاد و دو؛ صاحب جواهر میخواهند بگویند روایات رؤیت قبل از زوال[موافق عامه است]؛ ایشان با سید مخالف هستند، از سید هم ناراحت هستند که چرا با اینکه استقامت طریق داری چنین فتوایی میدهی؟! ایشان میگویند:

> **تندفع التقية بذلك مع عدم التصريح بالاعتبار ، وكون المحكي عن الشافعي وأبي حنيفة ومالك وغيرهم عدم اعتبار ذلك ـ بل قيل إنه المشهور بينهم فتوى ورواية ـ لا ينافي وجودها من غيرهم ، كأبي ثور وأبي يوسف الذين هما في زمن الصادق عليه‌السلام وغيرهما ، بل حكاه المرتضى عن ابن مسعود وابن عمر وأنس وقال : إنه لا مخالف لهم ، بل الظاهر أن استفاضة النصوص بعدم العمل هنا بالشك والظن وأن شهر رمضان فريضة من فرائض الله لا يؤدى بهما تعريضا في الرد عليهم وأن المشهور بين رواتهم ومحدثيهم ذلك.[2]**

«تندفع التقية بذلك مع عدم التصريح بالاعتبار»؛ محمل روایات قبل از زوال تقیه است. خب کسی میگوید: شافعی و مالک و دیگران همین حرف شما را میگویند، چطور میگویید آن تقیه است؟ میگویند: **«و كون المحكي عن الشافعي وأبي حنيفة ومالك وغيرهم عدم اعتبار ذلك[یعنی] عدم اعتبار رؤیت قبل از زوال)»؛** ، که دراینصورت موافق [قول صاحب جواهر] میشود، **«بل قيل إنه المشهور بينهم فتوى و رواية»؛** که سید و صاحب حدائق هم فرمودند، **«لا ينافي وجودها من غيرهم»؛** منافاتی با وجود این قول در غیر آنها ندارد. همین هم برای تقیه کافی است. پس محمل روایات رؤیت قبل از زوال تقیه است، ولو مشهور آنها همان است. خب باشد، همین که بین آنهاست کافی است تا روایات را بر تقیه حمل کنیم. **«لا ینافی وجودها»؛** وجود قول مخالف از غیر مشهور از اینها منافاتی ندارد.

«كأبي ثور وأبي يوسف الذين هما في زمن الصادق عليه‌السلام وغيرهما»؛ غیر ابی ثور و ابی یوسف. **«بل حكاه المرتضى عن ابن مسعود وابن عمر وأنس وقال : إنه لا**

مخالف لهم»؛ همه آنها می‌گویند که رؤیت قبل از زوال مجزی است.

«بل الظاهر أن [في]»؛ نمی‌دانم نسخه جدید جواهر این «في» را آورده‌اند یا نه. در اینجا حتماً «في» می‌خواهد. **«بل الظاهر ان في استفاضة النصوص بعدم العمل هنا بالشك والظن وأن شهر رمضان فريضة من فرائض الله لا يؤدى بهما تعريضا في الدرد عليهم وأن المشهور بين رواتهم ومحدثيهم ذلك»؛** صاحب جواهر دیگر خیلی جلو می‌برند. می‌گویند این روایات کثیره تعریض به عامه است که واقع می‌دانی عامه این بوده که قبل از زوال مجزی است. رؤیت قبل از زوال را همان روز اول ماه می‌گیرند. صاحب جواهر کار را در اینجا برعکس می‌کنند.

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة نویسنده : البحراني، الشيخ يوسف جلد : ۱۳ صفحه : ۲۹۰

[2] جواهر الكلام نویسنده : النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن جلد : ۱۶ صفحه : ۳۷۲

بازبینی #2
ایجاد شده 7 فوریه 2026 15:25:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2026 15:41:57 توسط ... .